

## پیوند دیرینه حوزه با مفهوم توسعه

○ محمد باغستانی

نهادی چون حوزه با این گستردگی که پیام خود را تقریباً به همه نقاط جغرافیایی ایران می‌رساند و در مناطقی که امکانات رسانه‌های صوتی و تصویری در حداقل است و یا اصلاً وجود ندارد می‌تواند با اعزام یکی از دانش‌آموختگان خود مخاطبان خویش را پیدا کند، سزاوار توسعه فرهنگی بی‌شمار است تا بتواند پاسخگوی مخاطبان بی‌شمار خویش باشد.

در حال گذار بودن جامعه جوان ایرانی که در عمر خود به تازگی طعم آزادی را چشیده و به تدریج رو به سوی ثبات و توسعه می‌رود، چنانکه براقشار گوناگون مردم تأثیر خود را می‌گذارد، نهاد حوزه را نیز دچار دگرگونی می‌کند. پیروزی سریع انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) از پس سالها تجربه حضور در حرکت‌های اجتماعی چون انقلاب مشروطه و نهضت ملی نفت، نهاد حوزه را به یکباره جایگاهی عظیم بخشیده و نفوذ و اقتدار دینی این نهاد را به عنوان یک قانون رسمی مورد قبول عموم مردم ایران قرار داده است. این حضور از قبل پیش‌بینی نشده علاوه بر آثار مثبت خود اینک قریب به بیست سال است

که حوزه رارویاروی آزمون سخت درباره آرمان‌های وعده داده شده او قرار داده و به چالش جدی فراخوانده است. بیست سال رودرروی آشکار با مشکلات اداره کشور تجربه‌ای است گرانبها که به یقین هیچگاه روحانیت شیعه از هنگامه پیدایش خود با آن برخورد نکرده بود زیرا این نهاد از تاریخ رسمی تأسیس خود در نجف اشرف به سال ۴۳۶ هجری همواره در کناره قدرت رسمی می‌زیسته است. اما این اشتباه است که تصور کنیم نهاد حوزه و روحانیت در برابر حوادث اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بیرونی به صورت ایستا عمل کرده و از موقعیت‌های به دست آمده سود نبرده است.

حوزه و روحانیت پس از گذراندن دوره‌های آغازین غیبت حضرت ولی عصر (عج) که تکلیف خود را فقط در حفظ آثار برجای مانده از فرهنگ شیعی دوره‌های پیشین می‌دانسته به تدریج برای بقای خود و حفظ نفوذ و اقتدار خویش نسبتی با مفهوم توسعه پیدا کرده است. البته که روحانیت سنی به سبب دست‌یابی سریع‌تر به قدرت سیاسی در نظریه‌پردازی بویژه در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی پیشگام است



ولی حوزه‌های شیعی نیز هیچگاه از دغدغه توسعه به دور نبوده‌اند (به ویژه توسعه فرهنگی) به نمونه‌های تاریخی زیر توجه کنید:

۱. در بحث تاریخ آموزش و پرورش اسلامی یکی از نهادهایی که پس از مساجد و پیش از پیدایش مدارس متکفل امر آموزش بوده «نهاد دارالعلم» است که بدون تردید موارد ثبت شده تاریخی آن متعلق به تشیع و عالمان شیعی بوده مانند: دارالعلم سیدرضی<sup>۱</sup> و متخصصان این بحث تأسیس دارالعلم را دومین گام تأسیس نهادهای آموزشی در اسلام می‌دانند که در جهت توسعه کیفی و کمی دانش برداشته شده است.<sup>۲</sup>

۲. حضور شخصیت دانشمند شیعه خواجه نصیرالدین طوسی پس از حمله ویرانگر مغول در دستگاه حکومتی نمونه دیگری است از نسبت واقعی روحانیت با مفهوم توسعه، خدمات علمی و فرهنگی طوسی به ایران و اسلام جایگاه ویژه خود را دارد. در این میان توسعه فرهنگی و یکی از مصادیق آن که آموزش و پرورش باشد قابل توجه است. خواجه در کتابهای فارسی مانند: اخلاق ناصری، اساس الاقتباس، اوصاف الاشراف، زبده الهیته نظریات خود را درباره آموزش و پرورش آورده و در موضوعاتی چون تربیت کودک و روش‌های آن، نهاد آموزش، برنامه تحصیلی، مواد درسی، ورزش و بازی و صنعت و علوم نکاتی قابل تأمل دارد که پیش از او به صورت مدون و یکجا در آثار علمای شیعه دیده نشده و این هم بدون تردید حاصل موقعیت جدید اجتماعی خواجه نصیر بوده که از آن برای توسعه فرهنگ سود برده است. و این تأثیر به گونه‌ای است که در هنگام بحث از ادوار تاریخی آموزش و پرورش در ایران باید دید گاه‌های خواجه نصیر طوسی را ملاحظه کرد.<sup>۳</sup>

۳. در دوران حکومت صفوی در ایران به یکباره موقعیتی ممتاز برای نهاد حوزه و روحانیت شیعه پیدا شد یعنی رسمی شدن مذهب تشیع که صرفاً امری مذهبی نبود، بلکه سیاستی بود در برابر توسعه طلبی جغرافیایی و سیاسی و فرهنگی عثمانیان سنی مذهب. مطالعه تاریخ این مقطع، تأملات فراوانی را بر می‌انگیزد. مقایسه امپراطوری نیرومند و گسترده عثمانی در آسیا و آفریقا و اروپا با دولت کوچک و نوپای صفوی می‌تواند نشان دهد که تا چه میزان نهادهای مشابه در ایران عهد صفوی پیدا شد تا بتوانند در

## ● حوزه و روحانیت پس از گذراندن دوره‌های آغازین غیبت حضرت ولی عصر (عج) که تکلیف خود را فقط در حفظ آثار بر جای مانده از فرهنگ شیعی دوره‌های پیشین می‌دانسته به تدریج برای بقای خود و حفظ نفوذ و اقتدار خویش نسبتی با مفهوم توسعه پیدا کرده است.

برابر موج توسعه طلبی عثمانی مقاومت کنند. البته در نظام امپراطوری عثمانی خلیفه محور اصلی بود و قبیهان حنفی نیز خلافت او را توجیه کرده بودند. اما در نظام صفوی هر چند پادشاه در رأس نظام قرار داشت ولی هیچگاه خود را خلیفه نمی‌دانست که این موضوع هم مربوط به دیدگاه مذهبی شیعه بوده که خلافت را فقط حق امام معصوم می‌دانست و سلاطین نمی‌توانستند این حق را به دست آورند مگر با تأیید قایم امام معصوم که قبیهان شیعه بودند. به این ترتیب قبیهان که عموماً هر نوع سلطنتی را در عصر غیبت غاصبانه می‌دانستند با شرایط ویژه‌ای سلطنت سلطان جاثراً تصویب کرده و در حوزه مباحث فقهی از آن بحث کردند. ۴ و این خود گامی دیگر به سوی توسعه در بعد سیاسی آن بود.

در حوزه فرهنگ نیز کار به همین منوال پیش رفت. مرحوم مجلسی از بزرگترین علمای شیعه برای نخستین بار در سطح وسیعی ادبیات مذهبی را توسعه داد. او با تدوین کتابهایی به زبان ساده فارسی فهم دستورات و احکام و اعتقادات دینی (را که تا این زمان به طور عمده در اختیار کسانی بود که زبان عربی می‌دانستند) از انحصار این گروه در آورد و از آن پس عموم مردم فارسی زبان توانستند در گستره‌ای وسیع معارف اسلامی را خود بخوانند و استفاده کنند. این نوآوری بی سابقه در حوزه فرهنگ عمیقاً در لایه‌های گوناگون جامعه ایران تأثیر گذاشته است و از آن پس موجی از فارسی نگاری ساده را پدیدار ساخت. کتاب‌های فراوانی در حوزه اعتقادات دینی، تاریخ اسلام، سیره نبوی، زندگی امامان و صحابه، به تدریج این نگارش‌ها در

سبک تاریخ نگاری این دوره هم مؤثر افتاد و انواع گوناگون از آنها تألیف شد.

کتاب‌های مهم فارسی مرحوم مجلسی عبارتند از: حلیه المتقین و عین الحیات و حیات القلوب و جلال‌العیون و حق الیقین و تحفه الزائر و زادالمعاد. بی‌گمان موفقیت صوفیه در فرهنگ اسلامی و ایرانی را باید مدیون تسلط آنها بر زبان فارسی دانست و این که به زبان قوم خود سخن می‌گفتند و اندیشه‌های خود را در قالب زبان فارسی ماندگار کردند. همین نکته را اگر درباره گسترش آموزه‌های دینی تشیع پس از پیدایش صوفیه مورد کاوش قرار دهیم در این میان استفاده از زبان فارسی جایگاهی بزرگ خواهد یافت.

و از زاویه نگاه نویسنده می‌توان رویدادهای گوناگون دیگری چون تجربه سیاسی جنبش تنباکو، عهد قاجار، حضور کارساز در پیدایش جریان روشنفکری دینی در جهان اسلام که سید جمال نماینده این نهاد در آن شرکت فعال داشت، حضور مؤثر در نهضت مشروطیت، حضور در مجلس قانون گذاری (نماینده‌گی شهید مدرس) تجربه دوران مرجعیت مرحوم آیتا...، بروجردی (که حوزه با توجه به شرایط روز روبه توسعه دانش اعضای خود آورد و مدرسی را برای ترکیب دانش قدیم و دانش نوین پایه گذاری نمود) و نیز اعزام دانش‌آموختگان حوزوی در همین دوره به اروپا از سوی نهاد حوزه (مانند شهید بهشتی)، ایجاد مجلات ماهانه و هفتگی مانند مکتب تشیع و مکتب اسلام، گسیل بعضی از اعضا به فضای دانشگاه‌های کشور، حضور در تقوین کتب دینی آموزشی ویژه دبیرستان، توجه به گفتگوی علمی با اهل سنت که منجر به صدور فتوای تاریخی شیخ محمود دشتوت درباره مذهب شیعه شد و نمونه‌های دیگر همه حکایت از پیوند ناگسستی حوزه با مفهوم توسعه دارند. این جریان با پیروزی انقلاب اسلامی به اوج خود رسید و نهاد حوزه نسبتی بی سابقه با مفهوم توسعه برقرار نمود که البته با مشکلات آن نیز باید کنار بیاید. امروزه نهاد حوزه همانند دیروز خود نمی‌تواند به توسعه بی توجه باشد این راهی است بی پایان و مطابق اقتضای زمان.

